

«فَوَحَاتُ الْقُدْسِ»^۱

میر یوسف علی حسینی استرآبادی

علی حیدری یساوی*

دستنویس شماره ۵۵۵، کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی قده در مجلد دوم فهرست آنجا، صفحه‌های ۱۵۶-۱۵۷ که اینگونه شناسانده شده «نسخ، [کاتب:] محمدخان بن حسین پنجهزاری مازندرانی، ۱۵ ربیع الاول ۱۰۵۴ق، عناوین شنگرف و در حاشیه تصحیح شده، ۴۸۵ برگ و ۱۹ سطر»، همین کتاب سترگ میریوسف استرآبادی است.^۲ این دستنویس، از آن رو دیدگان نویسنده این سیاهه را خیره ساخت که در برگ آغازین آن، بالای دیباچه عربی، مرجع فرهنگبان، حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی قده در چند خط، کتاب فَوَحَات را تحسین کرده و ستوده است؛ «والکتاب حسنٌ جیدٌ جدًّا».

* پژوهشگر ادبیات و مدرس دانشگاه تهران.

۱. این کتاب از سوی نگارنده، تصحیح شده و در دو مجلد در دست انتشار است.

۲. از «فوحات القدس» دستنویس‌های دیگری در کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی

نجفی قده، مرکز احیای میراث اسلامی و مدرسه آخوند همدان موجود است.

وقد كنا بخاله وقرائت خانة عمومي آيت الله العظمي
مرعشي نجفی - قم

كتاب
فوائح المساك في مناقب الأئمة عليهم السلام
بإيعاز السلطان شاه عباس الصفوي الأول وكان المؤلف نزيل بلاد
الهند وصرع في السنة ١٠٠٦ وصرع منه ١٠٥٣ والكتاب
حسن جميل جدا

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

فوائح المساك الأذفر الذي يعطر به مشام الحامدين ويذبح الأجر الإحمر الذي
يطيب به مشام الشاكرين حمد الله الذي هو خلق السموات والأرضين وأرسل الأنبياء
والموسلين وطيب من فوائح أنفاسهم جنات اليقين ويعطر من فوائح آلهم
ووصات الذين وجعل الجنة كالشيرة في الضياء والولاية كالقمر في السام والملكات
النبوة والآية الأولى العنق جبال الأوصياء وقرية الأنبياء وعلهم بما شام غيوب الأرضين
والسموات ونقش في صحايف قلوبهم الملكوتات وصوت في ألواح صدورهم الخزونات
ولهمهم باظهار الكرامات والقامات الخواص العادات وأقام كراماتهم مقام
العبادات فاقدر قادر على جميع الملكات ونسائيرها الحجة التي تفرح المذتقين
وشمايمها نور الروضة التي تشرق المحققين نعمت الرسول الذي هو مصباح الفقهاء
في مجالس الإيمان ومفتاح الدقائق على أبواب الإيقان كشمس مضيئة في تلك العرفان
وكبدن سيرة ذروة الإحسان وديننا سراج جميع الأديان ومجربته على ثبوت دينه هان
اعنى فضل المرسلين وحادق النبيين ورحمة لهم المكين خبير الوعد والوعيد محمد المصطفى
صلى الله وسلم عليه وعلى آله الطيبين الطاهرين الذين هم افضل الأوصياء الذين
وشمعا نور الدين وعلى اعتقادهم وعبادتهم السادة بين بأداء اجابته القصصه بنوده
خاند زاده على مرئي بن فاعلى بن محمد الحسين الخرجاني في ذلك بعضا في مجالس حال وبلغاى

آغاز فوائح القدس، نسخه شماره «٥٥٥» كتابخانه آيت الله مرعشى

فوحات القدس، کتابی است به زبان فارسی، درباره مناقب، کرامات و خوارق عادات ائمه اثنا عشر علیهم السلام، و بنا به تصریح نویسنده اش، در برابر *نفحات الانس من حضرات القدس عبدالرحمن جامی*، به رشته تحریر درآمده و اینگونه آغاز می شود: «فَوَایح المسک الأذفر الذی يعطر به مشام الحامدين و روايح الورد الاحمر الذی يطيب به مشام الشاکرين...» و پس از چند سطر به زبان عربی، در مدح و آفرین خداوند بزرگ و پیغامبر گرامی و خاندان پاکش، نام نویسنده رُخ می نماید؛ «اما بعد، نموده خانه زاد علی عمرانی، یوسف علی بن محمد الحسینی الجرجانی...»^۱.

مؤلف، در دیباچه، دلیل نگارش کتاب را چنین بیان می نماید: «چون خدای - جلّ جلاله و عمّ نواله - این بی بضاعت قلیل الاستطاعة را جرعه جام سخن چشانیده و از نشئه آن سرخوش گردانیده، علی الاتصال بالغدوّ و الآصال، در سخن کوشیده و در بزم بیان، ساغر معانی نوشیده، وقتی از اشرف اوقات و ساعتی از لطف ساعات، ذوق حکایاتی که مشتمل است بر کرامات و مقامات اولیاء الله در خاطر فاتر خطور کرد و شوق استماع روایاتی که محتوی است بر خوارق عادات و ریاضیات ایشان به جان روی آورد، فلاجرم به شوق تمام، ابواب تجسس بر روی گشاد و به ذوق مالا کلام در تفحص روی نهاد. هنگام تفحص و ایام تجسس، به مطالعه بعضی از کتب صوفیه، خصوصاً کتاب *نفحات الانس* مشرف گردید و به دست استفاده، برقع از روی معانی آن کشید. الحق از آن کتاب متبرک، ابواب فیض بر روی گشود و از فیض آن، کمال مسرت و بهجت روی نمود. در این حال در خیال گذشت که بسیاری

۱. درباره میر یوسف حسینی استرآبادی، نک: «میراث شهاب» سال پانزدهم، شماره اول و دوم، ۱۳۸۸، مقاله «الاسئلة الیوسفیه؛ مجموعه مناظره قاضی نورالله شوشتری و میر یوسف حسینی استرآبادی» علی حیدری یساوی، ص ۴۹-۵۴.

در آنجا آورده ام: میر یوسف علی فرزند محمد، معروف به یوسف اصم استرآبادی، از عالمان و شاعران شیعی قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری است و آباء و اجداد وی ملقب به کیا بوده اند. در صغر سن شاگرد میر صفی الدین محمد و میر جمال الدین محمد صدر بوده و به سال ۹۷۱ ق وارد هندوستان شده و در سال ۹۷۵ ق به بیماری لقوه و سنگینی گوش مبتلا گردیده است. آثاری در نظم و نثر دارد که پاره ای از آنها را در مجموعه مناظراتش با قاضی نورالله ذکر کرده است؛ دبستان، باعث الوصال، ساده پرگار، قیلة الاخیار، معدن المناقب و مظهر الحجّة. تاریخ درگذشت وی را صدرالافاضل در مطلع الانوار، ۱۰۲۰ ق گفته است.

از فارسی زبانان حقایق دستگاه و نکته گزاران دقیق انبناه، روی در تألیف و ترکیب نهاده‌اند و ذکر محاورات و کرامات و خوارق عادت و ریاضیات بعضی از اولیاء الله - یعنی مشایخ صوفیه - کتابها ترتیب داده‌اند، اما هیچ کس از کرامات و مقامات و خوارق عادات ائمه اثناعشر چنانکه باید و شاید بیان ننموده و در ذکر حالات و کرامات و مقامات ایشان بر وجه اشمال کتابی تصنیف ننموده با آنکه حالات ایشان من البدر أجلی و من الشمس اظهر است».

آنگاه درباره نام و بخشهای گوناگون کتاب اینگونه می‌گوید: «در برابر کتاب نفحات الانس، روی در تألیف آوردم و کتابی تصنیف نموده، فوحات القدس نام کردم، و چون این کتاب را فوحات نام نهادم، به دست ابداع، ابواب اختراع گشودم و حسب التناسب، به جای باب طبله، و به محل فصل نافه، و به موضع بحث مشک، و در مشک فایحه قرار دادم و مجموع آن را بر پانزده طبله مقرر گردانیدم و در هر طبله به مقتضای حاجت، نافه، مشک و فایحه رقم کشیدم و در ذیل بعضی از نافه‌ها به جای خاتمه عنبر نوشتم».

ناگفته نماند، تأثیرپذیری میر یوسف از کتاب نفحات الانس، که حتی در نامگذاری کتابش هم از جامی سرمشق گرفته، ویژه وی نیست؛ کتابهایی از دست تذکره امامان شیعه، مشایخ صوفیه و ارباب معرفت که در همان روزگار میر یوسف (قرن دهم و اوایل قرن یازدهم قمری) نگاشته شده‌اند نیز در این برخوردار و تأثر با فوحات القدس همدستانند؛ کتاب ثمرات القدس من شجرات الانس میرزا لعل بیگ لعلی بدخشی (۹۶۸-۱۰۲۲ق) که به ذکر شمار چشمگیری از اعظام فرق صوفیه و سادات نامدار و صاحب نفس و بزرگان طایفه ملامتی ساکن در شبه قاره هند پرداخته، و یا کتاب فوایح الولاية^۱ اثر ملا عالم کابلی (م ۹۹۲ق) که از منابع همین کتاب ثمرات القدس لعلی بدخشی ست^۲، دو نمونه روشن و برجسته این تأثیرپذیری در شمارند. البته بنابر ارتباط و آشنایی میر یوسف با ملا عالم کابلی^۳، بعید

۱. دستنویسهای فوایح الولاية در کتابخانه‌های شبه قاره هند، موجود است.

۲. نک: «ثمرات القدس» صص ۷۰، ۱۶۴، ۵۳۳ و ۱۲۲۳.

۳. میر یوسف استرآبادی در مجموعه مناظره‌اش با قاضی نورالله شوشتری - الاسئلة الیوسفیه - به ارتباط خود با ملا عالم کابلی اشاره کرده است؛ نک: «الاسئلة الیوسفیه» دستنویس ۴۵۱۳ دانشگاه تهران، رقعۀ یازدهم، برگ ۱۳۹، ب.

نمایند که صاحب فوحات، کتاب فوایح الولاية ملا عالم را پیش رو داشته است. و جالب است که بدانیم در سالیان پس از این، کتاب فوایح العرفان^۱ محمد هاشم، مخاطب به فیضان، خلیفه و فرزند حسن رسول نمای دهلوی که در احوال و مکاشفات و خوارق عادات پدرش (م ۱۰۳۱ق) نوشته، هم در فصل بندی و هم در نامگذاری، از فوحات القدس و فوایح الولاية متأثر بوده‌اند.

در قرنهای دوازده و سیزدهم قمری، کتابهایی چون حضرات القدس^۲ بدرالدین سرهندی، نسمات القدس من حدائق الأنس محمد هاشم کشمی و نسمات القدس^۳ حاج میرزا مقصود دهبیدی که در بیان حالات و مناقب و کرامات مشایخ نقشبندیه احراریه مجددی به رشته تحریر درآمده‌اند، به سبک و شیوه نفعات جامی رفته‌اند و گوشه چشمی هم به کتابهایی چون ثمرات القدس لعلی بدخشی و شاید هم فوحات القدس میریوسف داشته‌اند.

میریوسف، فوحات را در پانزده طبله، به ذکر مناقب و کرامات هر یک از دوازده امام علیهم السلام که طلبه دوم تا چهاردهم می‌باشد، اختصاص داده و طلبه نخست و پانزدهم نیز به ترتیب با عنوانهای «در ذکر بعضی از فضایل و کرامات اهل البيت علیهم السلام» و «در ذکر کرامات و مقاماتی که از بعضی اصحاب و خدام اهل البيت و محبان ایشان به برکت ایشان روی نموده، مع کرامات بعضی اناث از اولیاء الله» آمده‌اند.^۴

۱. درباره این کتاب، نک: «فهرستواره کتابهای فارسی» احمد منزوی، مجلد ۳، ص ۲۲۳۰.
۲. در مقدمه دستنویسی از این کتاب در کتابخانه ملک عبدالعزیز، مجموعه وقفی شیخ عارف حکمت، شماره ۲۶۱/۱۵، چنین آمده: «دفتر اول کتاب مشتمل بود بر تراجمی از ابوبکر تا خواجه باقی‌الله و اینک دفتر دوم در شرح حال حضرت مجدد و فرزندان اوست».
۳. نوشته به سال ۱۲۶۵ در استانبول. در مقدمه این کتاب آمده است: «مراد از این تألیف و تصنیف، بیان حالات و کرامات و خوارق عادات صاحب الطریقه الأحسنیه... شیخنا و مولانا حضرت شیخ محمدجان النقشبندی الاحراری المجددی است - ادام الله بقاءه - ... این مجموعه را نسمات القدس نام نهادم».
۴. بخشی از طلبه پانزدهم فوحات که به «کرامات بعضی اناث از اولیاء الله» پرداخته، با کتاب ابو عبدالرحمن السلمی، «ذکر النسوة المتعبدات الصوفیات» (تحقیق دکتر محمود محمد الطناخی، مکتبه الخانجی، قاهره، چاپ اول، ۱۴۱۳ق) مطابقت دارد.

تاریخ آغاز به نگارش این کتاب، بنابر تصریح خود میریوسف، ۱۰۰۶ هـ ق می‌باشد؛ «از مخالفت روزگار و متابعت دنیای غدار و کثرت عیال و اطفال و کُربت غربت و ضعف پیری و ناتوانی و درد پریشانی و بی‌سامانی و دیگر موانع میسر نشد که عجاله الوقت، معنی این اندیشه را بر لوح بیان نگارد و صورت این خیال را از قوت به فعل آرد. مدّت مدید و عهد بعید از این گذشت تا در شهر رمضان سنه الف و ستة من الهجرة النبوة المصطفوية توفیق روی نمود و از روی سعی، نقاب تکاهل و حجاب تکاسل بگشود فلاجرم جدّ و جهد نمودم و در تفحص و تجسس به روی گشودم».

و تاریخ اتمام، آن را، سال ۱۰۱۱ هـ ق در آگره می‌گوید؛ «قد فرغت من تألیف هذا الكتاب بعون الله الملك الوهاب في يوم الاثنين خمسة عشر من ذي القعدة الحرام في سنة الف و احدى عشر من الهجرة النبوية المصطفوية الذي هو سيد الانام في دارالخلافة اكره - صانها الله عن الشرّ و الفساد بالنبي و آله الامجاد». گفتنی است دستنویسی در دانشگاه ادینبورگ به شماره ۴۴۹ از فوحات القدس موجود می‌باشد و در فهرست آن دانشگاه، تاریخ کتابتش را ۱۰۰۷ هـ ق ذکر کرده که بی‌هیچ تردید نادرست می‌باشد.^۲ میکروفیلم این دستنویس در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به شماره ۳۱۹۰ نگهداری می‌شود و نویسنده این سطور، آن میکروفیلم را مورد بررسی قرار داد و دریافت که تاریخ ۱۰۷۰ تبدیل به ۱۰۰۷ شده است؛ همچنین در برگ نخست دستنویس مورد نظر، تاریخهای عرض ۱۰۷۳، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۸۸، ۱۱۱۲، ۱۱۱۵ و ۱۱۱۷ به چشم می‌خورد که با تاریخ کتابت ۱۰۷۰ قرابت دارند.

۱. مؤلف فوحات، خودش، تاریخ به پایان رسیدن کتابش را از همه بهتر می‌داند و آن را ثبت کرده است و اظهار نظر و حدسهای کاتبان، مصححان و محققان با وجود تصریح روشن نویسنده و صاحب اثر اعتباری ندارد. بنابراین بنده علی‌حیدری یساوی - از پیش خود، تاریخ پایان تألیف فوحات را ۱۰۱۱ نگفتم، چنانکه آقای علیرضا اباذری در پانوشته شماره دوازده خود، در تصحیح منظومه مظهر الحجة (پیام بهارستان، شماره ۹، پاییز ۱۳۸۹، ص ۳۹۹) پنداشته‌اند.

۲. نک: «فهرست میکروفیلمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران» با عنوان «فوائد القدس»، نستعلیق عبدالقادر به فرموده کمال فریدون بیکا.

مؤلف، پس از اتمام، کتاب را در مثنوی هجده بیته به نام عبدالله قطبشاه، فرمانروای دکن درآورده است؛ از آنجاست:

اختر گردون دولت قطب شاه
بر سپهر شهریاری ماه بدر
چون در آب زندگانی زندگی
غیر دین را در دل او نیست راه
میوه جنت بود بی استخوان
نور ایمان گشته شمع محفلش
آسمان داده به دستش اختیار
در تصور حکم را داده مقام
درخم چوگان او چرخ است گوی.

«آفتاب آسمان عزّ و جاه
قطب عالم محور گردون قدر
آمده در ذات او فرخندگی
با وجود آنکه در دنیاست شاه
در دل او نیست دنیا را مکان
آمده از معرفت روشن دلش
دولت او را کرده صاحب اعتبار
کرده گر در حکم راندن اهتمام
تاحقش در حکم راندن مانده روی



۱. درباره وی نک: «تَسَبُّ نامۀ قطبشاهی» فرسی شیدایی، مثنوی در پانزده هزار بیت، کتابت ۱۰۲۰، دستنویس ۲۲۳۰، مجلس شورای ملی.

منابع فوحات القدس:

دغدغه مؤلف، نوشتن کتابی کامل و شامل، در کرامات، مقامات و خوارق عادت ائمه اثناعشر برای فارسی زبانان بوده، از این رو کتابهایی برجسته و پر مخاطب از فریقین - یعنی اهل سنت و جماعت و شیعه امامیه - را مورد توجه قرار داده و به عنوان منابع اصلی کتابش از آنها استفاده کرده و در هر موضع از نقل، نام آن کتابها را آورده؛ «در تفحص و تجسس بر روی گشودم و در بعضی از کتب معتبره گردیدم و آنچه از کرامات و مقامات حضرات عالیات به نظر درآمد، بر صفحه بیان رقم کشیدم و از هر کتابی که استخراج و استنباط کردم، نام آن کتاب را به مجلس در بیان آوردم». و در پایان کتاب هم نام همه آن منابع را ذکر کرده است؛ «شواهد النبوة ملا عبدالرحمن جامی، در بحر المناقب شیخ علی بن شیخ ابراهیم عرب، زهرة الرياض و درج الدرر، روضة الشهداء ملا حسین واعظ کاشفی، رساله اعتقادیه ملا احمد اردبیلی و تاریخ احمد بن اعثم کوفی، امالی و عیون اخبار الرضای شیخ صدوق، کفایة المؤمنین که ترجمه الخرائج و الجرائح قطب راوندیست، احسن الکبار فی معرفة الائمة الاطهار سید محمد بن ابی زید عربشاه ورامینی، مصابیح القلوب ملا حسن سبزواری و تفسیر ترجمه الخواص حافظ علی زواره‌ای». همچنین منظومه‌هایی از شاعران و سرایندگان مداح اهل بیت علیهم‌السلام چون آذری اسفراینی، ابن حسام خوسفی، ملا حسن سلیمی، قطبی، آتشی شوریده، خواص، افچنگی و علی حجازی را به نثری روان درآورده و در بخشهایی از کتاب، به ویژه پایان طلبه دوم (در فضایل و کرامات امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام)، جای داده است.

مطالبی درباره پنج منبع اصلی فوحات:

۱. احسن الکبار فی معرفة الائمة الاطهار:

بخش چشمگیری از کتاب فوحات القدس، به نقل از این کتاب سترگ و دراز دامن اختصاص یافته؛ کتابی مهم از نیمه نخست قرن هشتم در کلام و عقاید و معرفت امامان دوازده‌گانه شیعه که پارسی بودنش، اهمیت آن را دو چندان کرده است.

نویسنده این کتاب، محمد بن ابی زید بن عربشاه بن ابی زید بن احمد بن حسین العلوی الوریامینی است^۱ که به یمن و همت و تشویق یکی از بزرگان همروزگار خود، به نام نصره الدین اسماعیل بن محمد بن علی بن ابی طالب الرازی این اثر را به پایان رسانده است.^۲ وریامینی در این مقدمه، پیرامون اینکه چرا به نوشتن این کتاب اقدام نموده، می نویسد: «بدان که جماعتی دوستان که جلیس وانیس این ضعیف بودند و دم از محبت خاندان اهل بیت - ﴿فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمہ﴾^۳ - می زدند، و از مردمان ﴿لا تلهیهم تجاره و لا بیع عن ذکر الله﴾^۴ و جان بخشان ﴿رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فممنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر﴾^۵ بودند، از این کمینه که کمترین درگاه عزت است، العبد الکاتب المترجم، محمد بن ابی زید بن عربشاه بن ابی زید الحسینی العلوی الوریامینی - عفا الله عنه - درخواستند که البته انتخایی روشن از کتب علمای سلف در امامت امیرالمؤمنین علیه السلام و در کبیت و توضیح احبا و اعدای ایشان بیان کن چنانکه به فهم عوام برسد. این ضعیف به حکم ﴿و فی أنفسکم أفلا تبصرون﴾^۶ نظر کردم و خواستم که مختصری بنیاد بهم؛ عروس غواص خاطر نگذاشت و در بچار فکر غوطه خورد، چنان درر و لآلی به دست آورد که دو مجلد تحمل آن نتواند کرد و اسم این رساله را احسن الکبار فی معرفة الائمة الاطهار کردم و توفیق آن از حق - جلّت قدرته - درخواستم، به جمع کردن این کتب - إن شاء الله تعالی - که حق - جلّ و علا - توفیق بخشد و زبان این ضعیف را از سهو و نسیان و خطا نگاه دارد؛ به حق حقه و سعة فضله.^۷ از آنچه آمد، نکاتی قابل درک است: نخست آنکه نگارش این کتاب به ترغیب و تشویق دوستاناران

-
۱. نک: دستنویس شماره ۴۸۱۹ کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی قدس سره، «برگ ۱۱۶، الف و ب».
 ۲. نک: «برگ ۲۹، الف»، همان.
 ۳. نور (۲۴): آیه ۳۶.
 ۴. نور (۲۴): آیه ۳۷.
 ۵. احزاب (۳۳): آیه ۲۳.
 ۶. ذاریات (۵۱): آیه ۲۱.
 ۷. نک: دستنویس شماره ۲۶۵۳، کتابخانه مرکز احیای میراث اسلامی.

اهل بیت علیهم السلام بوده؛ دوم، نویسنده خود را کاتب و مترجم نامیده^۱ و نوشته‌اش را «انتخابی روشن از کتب علمای سلف» معرفی کرده است؛ سوم، موضوع کتاب را امامت امیرالمؤمنین علیه السلام و کیفیت و توضیح احبا و اعدای امامان شیعه علیهم السلام گفته؛ چهارم، برای فهم عوام کوشیده، و بالاخره پنجم، به دراز دامنی و حجیم بودن کتاب اشارت کرده چنانکه گفته: «دو مجلد تحمل آن نتواند کرد».

درباره نکته دوم باید گفت که منابع و مأخذ اصلی احسن الکبار در بسیاری جایهای آن روشن بوده و روش ورامینی در آوردن روایات و احادیث، به ذکر منبع و مأخذ استوار گشته است.

از کتابهای مورد استناد وی می‌توان از عیون اخبار الرضا^۲، صحیفه الرضا علیه السلام^۳، کنوز الجواهر^۴، الفتوح اعثم کوفی و ترجمه آن توسط محمد بن احمد مستوفی هروی^۵، شوق العروس ابی‌عبدالله دامغانی^۶، تبصرة العوام^۷، مشاهیر

۱. صاحب روضات در ابتدای برگ دستنویس ۴۸۱۹ مرعشی، نویسنده را اینگونه معرفی می‌کند: «سید جلیل عالم فاضل مورخ ناقد قرن هشت، محمد بن ابی‌زید عربشاه بن ابی‌زید الحسنی العلوی الوریامینی رضی الله عنه».

۲. نک: «برگ ۱۲۲، ب» مرعشی: «در کتب تواریخ اهل سیر مطالعه رفت و زیاده بر آن از علما و سادات و بزرگان طوایف تفحص کردم و یافتم و به کُنه آن رسیدم و مرا معلوم شد.» و «برگ ۱۲۳، الف» مرعشی: «چون بحث و تفحص رفت و تجسس کردم در کتابهای ایشان و هفتاد و سه مذهب یافتیم که کتب علوم ایشان و خطبا و واعظان جمله مداح این خاندان و ثناگوی امیرالمؤمنین علی علیه السلام بودند...».

۳. نک: «برگ ۷۰، ب» مرعشی.

۴. نک: همان.

۵. نک: «برگ ۷۱، الف» مرعشی.

۶. نک: «برگ ۱۱۷، الف» همان.

۷. نک: «برگ ۱۱۹، ب» همان.

۸. نک: «برگ ۱۲۲، الف» همان. [تبصرة العوام فی مقالات الانام (نوشته ابو عبدالله محمد بن حسین رازی، به سال ۶۳۰ق)] را امام حسین بن علی بطیعی در استرآباد در رجب ۶۵۸ به عربی آورده و دستنویس از آن، مورخ ۸۶۸هـ در کتابخانه مجلس سنا به شماره ۱۷۹۲۶ است (به نقل از مقاله ص ۱۱۵).

صحابه بیهقی^۱، روضة الواعظین^۲، خصائص القلوب^۳، حلیة الاولیاء^۴، مسند ابن مردویه، مناقب خوارزمی، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام و نزهة الکرام و بستان العوام^۵ یاد کرد. کتاب اخیر که توسط ابو عبدالله محمد بن حسین رازی به زبان فارسی نوشته شده، جایگاه ویژه‌ای دارد چرا که حجم وسیعی از احسن الکبار به نقل از این کتاب اختصاص یافته است.^۶ ناگفته نماند که روش نقل عربشاه هم در همه جای کتاب یکسان نیست به طوری که نویسندگان در بسیاری جاها برای تسهیل مطلب و روشن ساختن مورد، به ترتیب جمله بندی و نوع واژگان به مناسبت معنا دست برده است.

نکته پنجم نیز که دراز دامنی کتاب را پیش کشیده، قابل توجه است^۷ چنانکه شادروان علامه قزوینی در یادداشت خود بر آن چه صاحب روضات درباره کتاب نوشته، می آورد: «وجه تسمیه ظاهراً این بوده که کتاب خیلی ضخیم و قطوری بوده؛ یعنی بهترین [قصص یا حکایات]... پس لابد و قطعاً

للشادروان استاد دانش پژوه در نشریه میراث شهاب، ش ۳۵-۳۶، بهار و تابستان ۱۳۸۳، ص ۲۴۱-۲۴۲.

۱. نک: «گ ۱۳۲، الف» همان.

۲. نک: «گ ۱۹۰، ب» همان.

۳. نک: «گ ۲۴۴، الف» اشکوری.

۴. نک: همان.

۵. نک: همان.

۶. نک: دستنویس ۲۶۵۳ مرکز احیا، ص ۴۸۷: «و مصنف این رساله، از کتاب نزهة الکرام و بستان العوام نوشت». ناگفته نماند که ورامینی به کتابت آن هم دست یازیده است. نک: «الذریعة»، ج ۲۴، ص ۱۲۳.

۷. البته در برگ «۱۳۲، ب» مرعشی، به جز دراز دامنی، به پرمغزی کتاب هم توجه داده است، چنانکه می گوید: «... و مصنف می خواست که این دلایلات به برهان هر چه تمام تر بیان کند الا کتاب تحمل آن نکند و سخن به طول انجامد؛ اگر مرد اهل باشد از این کتاب ده کتاب بیرون آورد از آیات و احادیث که وافر است در دلایل امامت و خلافت و افضلیت وی علیه السلام بر جمله انبیای امم سالفه».

مقصود از احسن الکبار که تا کنون هر چه فکر می‌کردم و نمی‌فهمیدم همین فقره بوده است، لاغیر».^{۲۱}

۲. کفایة المؤمنین فی معجزات المعصومین:

ترجمه‌ای است از شخصی به نام محمدشریف خادم، در چهارده باب، از کتاب الخرائج و الجرائح قطب راوندی (م ۵۷۳ هـ.ق) که در شهر برهانپور انجام یافته و به نام ابراهیم قطبشاه درآمده است. مترجم در مقدمه، چنین می‌آورد: «اما بعد، چون غرض از اظهار معجزات سید کاینات و امجاد اولاد آن حضرت، زاید اعتقاد عباد و تقویت اهل رشد و سداد بود، بنده مذنب نادم، محمد شریف خادم را چنان به خاطر فاتر خطور نمود که کتاب خرایج و جرایح را که خزینة تقود رموز معجزات ائمه دین و دفینه کنوز دلالات اوصیای سید المرسلین است، ترجمه نماید و نقاب عربیت از رخ این جمیله با تبجیل گشاید تا همچنانکه عربی دانان از دلالات سرور موجودات بهره می‌یابند، فارسی زبانان نیز ثمره یابند و خواص و عوام از روایات معجز نظام سید انام و کرامات و خوارق عادات حضرات دوازده امام - علیهم صلوات الله العزیز العلام - محفوظ و از حضرات شکوک و ارتیاب محفوظ باشند. چون مؤمن خالص را یک اشاره از این نکات، در رسوخ اعتقاد، و یک نکته از این اشارات در طریق سداد کافی بود، این نسخه را به کفایة المؤمنین تسمیه نمود.

و چون دأب بعضی از ارباب تألیف و طریق برخی از اصحاب تصنیف در ایام سوابق و سؤالی، از مخالف و مؤالف، آن بود که مؤلفات خود را سبب مزید تذکار مفاخر هنیئه [به نام] یکی از سلاطین نامدار و خواقین کامکار می‌کرده‌اند و اهل روزگار، محامد علیّه آن شهریار را ابدالدهر در محافل و مجالس مشمرده‌اند، این قلیل البضاعة یسیر الاستطاعة نیز آئین و آنسب چنان دید که ارقام بی سرانجام خود را به ذکر مکارم بهیبه و مفاخر علیّه خورشید رفعتی که

۱. «یادداشتهای قزوینی» ج ۲، ص ۲۶-۲۵.

۲. در مقاله‌ام در کلیات کتاب ماه، آبان ۱۳۸۶، مفصل به «احسن الکبار» پرداخته‌ام؛ با عنوان: «احسن الکبار فی معرفة الائمة الاطهار» متنی از نیمه نخست قرن هشتم هجری.

اسم سامی و نام نامی او از افق فقرات این موشح طالع می‌گردد؛ موشح [به نام: «ابراهیم قطبشاه خلد ملکه»]:

آفتاب سپهر جلالت [الف]، بهار ناصیه سلطنت و عدالت [ب]، راسخ ملت نبوری [ر]، اساس نه منهج مرتضوی [الف]، همای اوج اقبال [ه]، ینبوع مکرمت و جلال [ی]، ماحی آثار ظلم و عدوان [م]، قاطع اطوار کفر و طغیان [ق]، طراوت دِه گلشن فتوت و جوانی [ط]، بهار بخش چمن شوکت و کامرانی [ب]، شهریار ممالک بخشش [ش]، اختر برج رفعت و دانش [الف]، هبوب ریاح جود مسیح کردارش به یک وزیدن، محتاجان ایام را جان داده [ه]، خاطر فیاض سعادت آثارش مهام انام را به یک رسیدن اساس نهاده [خ]، لام سلطنتش ملت و ملک را جان بخشیده [ل]، دال دولتش دین و دنیا را معاصر افراز گردانیده [د]، ممدوح خواص و عوام [م]، لاحظ مصالح ایام [ل]، کامرانی دِه صغیر و کبیر [ک]، هادی سالکان نطق پذیر [ه]؛ محلی و مزین گردانید، اگر چه شهرت اطوار حمیده و کثرت افعال پسندیده این عالی مقدار از تذکار این بی اعتبار مستغنی است، اما چون این باکره تنق عرفان و مخدّره سراپرده ایقان را پیرایه جمال و سرمایه کمال می‌افزود و ایضاً مُشعر بر رسوخ عقیدت و خلوص طویّت این شاهنشاه فلک بارگاه بود، بدین کلمات مبادرت نمود:

پایه قدر او ازان بیش است	که توانم ادای آن کردن
بلکه نتوان به صد هزار زبان	عشر اوصاف آن بیان کردن
چون زبان قاصر است از مدحش	به دعا مختصر توان کردن

همیشه مسند فلکسای اّبهت و کامرانی از جلوس ذات این شهریار مزین و سریر سپهر نظیر سلطنت و جهانبانی از وجود عنصر لطیف این عالی مقدار، محلی باد بحقّ النّبی و آله الأطهار الامجاد»^۱.

۳. ترجمه الخواص:

تفسیر قرآن ابوالحسن علی بن حسن زواره‌ای (م نیمه دوم قرن دهم هق) می‌باشد که به سال ۹۴۷ هق تألیف کرده است. این تفسیر از حیث شمار فراوان

۱. «کفایة المؤمنین» دستنویس کتابخانه مرکز احیای میراث اسلامی، ش ۱۴۷۱، کتابت قرن یازدهم هق در برهانپور هند، «برگ ۲، ب».

روایات و احادیث شیعی، قابل توجه فراوان است، از همین روست به گفته پاره‌ای از محققان، «ترجمة الخواص، نخستین تجلی‌گاه عقاید و گرایشهای شیعیان قرنهای نهم و دهم هجری گردیده است».^۱ تفسیر زواره‌ای چونان تفسیر شاگردش، مولی فتح‌الله کاشانی (م ۹۸۸هـ.ق) - یعنی منهج الصادقین - تکرار و رونویس تفسیر کمال‌الدین حسین کاشفی (م ۹۱۰هـ.ق) می‌باشد و از آنجا که مواهب علیّه بر مذهب اهل تسنن نوشته شده، و حال و هوایی عرفانی دارد، احادیث و اخبار و روایات شیعی بر آن افزوده شده و مطالب و موارد مخالف و معارض حذف گردیده است.

دستنویسهای ۲۴۵۸، ۲۷۱۴، ۴۳۳۵، ۶۲۲۱، ۶۷۴۷ از کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله، و ۹۰۳۲، ۹۰۳۸، ۱۵۲۱۱، ۱۵۲۲۲ و ۱۴۷۴۱ از کتابخانه مجلس شورا و دستنویس ۴۵۳ کتابخانه آستان مقدس حضرت معصومه علیها السلام، همین تفسیر ترجمه الخواص می‌باشند.

۴. زهرة الرياض:

گویا کتاب زهرة الرياض و نزهة القلوب المراض^۲ تاج الاسلام سلیمان بن داود الستیسینی می‌باشد. که داستانهای تاریخی و دینی، بیشتر درباره پیامبران و شماری از مشایخ و عالمان مذاهب اسلامی را گردآوری کرده است. مصحح، به اصل کتاب دست نیافت ولی در جستجویی که در فهرس دستنویسهای کتابخانه حضرت آیت‌الله مرعشی رحمته‌الله داشتم، به کتابی برخوردیم به نام نخبه الرياض.^۳ این کتاب کم حجم، منتخبی از زهرة الرياض است که ملا محمد صالح بن محمد برغانی

۱. نک: «تاریخ ترجمه از عربی به فارسی» از آغاز تا عصر صفوی - بخش ترجمه‌های قرآنی، آذرتاش آذرنوش، ص ۲۳۹.

۲. کشف الظنون (ج ۲، ص ۹۶۲) درباره این کتاب آورده است: «زهرة الرياض و نزهة القلوب المراض، في الموعظة للشيخ الامام تاج الاسلام سليمان بن داود الستيسيني، كذا ذكره الواعظ في تحفة الصلوات ترجمه من كتابه الفارسی المسمى ببهجة الانوار و الحق به فوائد كثيرة و رتبه على سبعة و ستين مجلساً و هو من الكتب المشهورة في الموعظة لكنه ليس بمعتبر».

۳. نک: «فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی رحمته‌الله» ج ۱۲، ص ۱۲۵-۱۲۶، با عنوان «مجموعه»، ش ۴۵۵۰ «برگ ۳۰۱ - ۳۲۵».

قزوینی (ق ۱۳)، نویسنده کُز الباکین،^۱ آن را هنگام سفری که به کربلا رفته، یافته و داستانهایی از آن را انتخاب و ترجمه کرده است.

نُخبَةُ الریاض اینگونه آغاز می‌شود: «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آلہ الطاهرین؛ اما بعد چنین گوید محمد صالح بن محمد قزوینی که در بعضی از اسفار، حقیر به کربلا می‌آمد مشرف شدم و کتابی از بعضی از علمای عامه که مسمی بود به زهرة الریاض به نظر حقیر رسید که مشتمل بود بر جمله‌ای از احادیث و حکایات نافع و چون در قصص و حکایات و اخباری که باعث احکام شرعیّه نباشد جایز است به حسب شرح حکایت و نقل نمودن آن، هر چند سند آن ضعیف باشد، لهذا حقیر در صدد ضبط آن برآمدم در رساله مفردی که مبادا از دست رود و نامیدم آن رساله را به نُخبَةُ الریاض و متوقع از خداوند رحمان رحیم که در این عمل نفع بخشد این غریق بحر عصیان را بحق محمد و آل الطاهرین او».^۲

۵. در بحر المناقب فی تفضیل علی بن ابی طالب^۳:

اثر علی بن ابراهیم، ملقب به درویش برهان (قرن ۱۰). وی در دیباجه کتابش چنین می‌آورد: «... چون مطالعه کتب کلامی کردم و سخن بعضی که در باب نبوت و امامت گفته، در نظر آوردم، دیدم هر حدیث و آیت که در شأن مرتضی علی آمده، بعضی را غیر صحیح نام نهاده و بعضی را بر سبیل معارضه

۱. بخش نخست همان دستنویس ۴۵۵۰ کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله، کتاب «کُز الباکین» قرار گرفته است؛ «این مجلد دوم است از کتاب کُز الباکین، تألیف قلیل البضاعة و کثیر الاضاعة، محمد صالح بن محمد البرغانی مسقطاً، القزوینی مسکناً، عفی الله عن جرائهما، بمحمد و اوصیائه صلوات الله علیهم اجمعین؛ و این کتاب مشتمل است بر شش کُز که متضمنند آن کُز بر بیان جمله‌ای از احوال ائمه سته، از حضرت امام موسی بن جعفر إلى القائم المنتظر صلوات الله علیهم اجمعین من الآن إلى يوم الدین».

و در برگ ۳۰۲، الف آورده: «تمام شد مجلد دوم از کتاب کُز الباکین، از ید مؤلف آن، محمد صالح بن محمد عفی الله عن ذنوبهما، بمحمد و آلہ الطیبین، فی شهر ربیع الثانی من شهر هزار و دویست و شصت و دو».

۲. نک: دستنویس با عنوان «مجموعه»، «نُخبَةُ الریاض» برگ ۳۰۲، الف.

۳. نک: دستنویسهای کتابخانه دانشگاه تهران، به شماره‌های ۱۰۲۵۷ و ۱۵۴۳۸، هر دو، کتابت قرن یازدهم هجری.

جواب گفته، چند حدیث به ابعاد احتمالات برده و چندی را بر آدون معانی حمل کرده‌اند. از آن جمله قاضی عضد - تجاوز الله عن سیئاته - در مواقف، جمیع نصوص افضلیت مرتضی را نفی فرموده، گاهی به صحت استفسار و تقسیم دست زده و گاهی به ادخال کلمه کل و بعض تمسک نموده است چنانکه در مقدمه و باب اول و دوم گفته شود. لاجرم خواستم که از طریق مکابره و مباحثه و رسم مجادله و مغالطه عدول جویم و از سر عدل و انصاف سخن گویم معتمداً علی کلام رب العالمین که در کتب علمای جمهور و معولاً علی حدیث سید المرسلین که در مصنفات فضلالی اعصار و دهور در فضل علی امیر المؤمنین علیه السلام مسطور است مثل کتاب المناقب که اخطب خطبای خوارزم ابی المؤید احمد بن الموفق المکی ثم الخوارزمی جمع فرموده است و کتاب المناقب که ملک الحفاظ طراز المحدثین ابوبکر احمد بن موسی بن مردویه روایت کرده و کتاب المناقب که افقه الفقهاء ابوالحسن علی بن المغازلی المالکی ترتیب نموده و کتاب المسند که عالم ربانی و عالم کتاف حقانی احمد بن حنبل الشیبانی به اسناد رسانیده و کتاب حلیة الاولیاء که حافظ ابونعیم روایت فرموده و کتاب فردوس الاخبار که راویة المحدثین شیرویه بن شهردار الدیلمی رحمته الله تألیف کرده و کتاب وسیلة المتعبدين که ابو حفص عمر بن خضر الملاء جمع فرموده و کتاب کفایة الطالب که ابو عبدالله محمد بن یوسف الکنجی الشافعی از دارقطنی روایت کرده و کتاب نُزُل السائرین^۱ که علامه علما محمود بن محمد الطالبي الدرگزینی رحمته الله ترتیب داده و از صحیح بخاری و سنن ترمذی و تفسیر ثعلبی و اسباب نزول واحدی و کتاف زمخشری و جزئی که عزالدین محدث حنبلی تخریج کرده است؛ و فی الجملة هر حدیثی و اثری که در این مختصر آورده، آن را به جامع آن حدیث و مؤلف آن کتاب منسوب کرده‌ام تا هر که را در این منقولات خلجانی به خاطر خطور نماید، کتب مذکوره به دست آورده، رفع آن شک و ریب فرماید.

و علی^۱ هذا، هر حدیث و آیت که در کتب علما توارد یافته و این فضلا بر ایراد آن اتفاق کرده باشند، یقین که به حسب عقل، دلیل صحت آن نقل خواهد بود؛ اگر ناظر و مستمع منصف باشد و اگر - عیاداً بالله - به صفت ﴿حَتَمَ اللهُ﴾

۱. منظور، کتاب «نزول السائرین إلى الله رب العالمین» می‌باشد.

علی قلوبهم و علی سمعهم...﴿ متّصف باشد، نه از عقل محظوظ و نه در نقل ملحوظ است. و چون من قبل، به لسان عربی، جهت تنبیه بعضی معاندان جاهل و متعصبان غافل کتابی ترتیب داده و آن را بحر المناقب فی فضل علی بن ابی طالب نام نهاده شده و این مختصر خلاصه آن کتاب بود، هر آینه دُرّ بحر المناقب فی تفضیل علی بن ابی طالب در تسمیه او مناسب نمود.﴾^۱

چنانکه خود علی بن ابراهیم می گوید، این کتاب، خلاصه کتابی به زبان عربی، در مناقب و فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام است و همه منابع و مأخذ کتاب مورد نظر در مقدمه آن معرفی شده اند و مؤلف، روایات و احادیث و تفسیر آیات را عیناً با ترجمه، از منبع و مأخذ خود نقل کرده است.

بسم

به جز پنج کتاب یاد شده، بخشهای چشمگیری از کتابهای شواهد النبوة لتقوية يقين اهل الفتوة^۲ عبدالرحمن جامی (که در یک مقدمه، هفت رکن و یک خاتمه، به خواهش امیر عیشیر نوایی و شاگردانش، و در تکملة فوحات الانس نوشته)، مصابیح القلوب^۳ ابوسعید حسن بن حسین شیعی سبزواری (که به شرح پنجاه و سه حدیث اخلاقی پیغامبر گرامی اسلام پرداخته) و روضة الشهداء ملا واعظ کاشفی، بی گم و کاست در فوحات نقل شده است.

۱. «در بحر المناقب» چاپ سنگی (۲۷ رمضان المبارک سال ۱۳۱۳ق، بیدر اقل الحاج محمود تاجر تبریزی، در کارخانه عالیجاه رفیع جایگاه، خیر الزائرین، استاد الكل، آقا مشهدی اسدآقا، مطبوع گردید فی التاریخ الفوق)، ص ۱-۳.

۲. درباره این کتاب، نک: «نقد و بررسی آثار و شرح احوال جامی» اعلاخان افصح زاده، چاپ مرکز میراث مکتوب.

۳. نک: «مصابیح القلوب» به کوشش محمد سیهری، چاپ مرکز میراث مکتوب.

